**آثار گناه‏**

سید حبیب حسینی رنانی

چرا افسردگى ‌‌‌‌‌ام زیاد شده؟ چرا قواى عقلى و حافظه ‌‌‌‌‌ام ضعیف شده؟ چرا رزق و روزى ‌‌‌‌‌ام با مشکل مواجه شده؟ اصلا چرا تلاش ‌‌‌‌‌هایم به نتیجه نمى ‌‌‌‌‌رسد؟ چرا على ‌‌‌‌‌رغم تمنّاى زیادى که دارم، در مسائل معنوى پیشرفت نمى ‌‌‌‌‌کنم و احساس خوش معنویت و آرامش به من دست نمى ‌‌‌‌‌دهد؟ چرا؟

وقتى این سؤالات و صدها سؤال دیگر از این قبیل را بررسى و علت ‌‌‌‌‌یابى مى ‌‌‌‌‌کنیم، به یک پاسخ مى ‌‌‌‌‌رسیم و آن هم گناه است. آرى همه این مشکلاتى که ذکر شد نتیجه و آثار گناه است.

اگر متوجه بشویم که علت همه مشکلات ما ناشى از ارتکاب گناه است تصمیم ما براى ترک گناهان دوچندان مى ‌‌‌‌‌شود. لذا این مقاله در صدد است که در چند شماره به بخشى از آثار زیان ‌‌‌‌‌بار و مهلک گناهان بپردازد، به امید اینکه جامعه ما از لوث گناهان پاک شود.

**آثار فردى گناه ‌‌‌‌‌**

**۱- کاهش قواى عقلى ‌‌‌‌‌**

قواى عقلى و فکرى هر انسانى ثابت و پایدار نیست، بلکه متناسب با افعالى که از او صادر مى ‌‌‌‌‌شود این قوا شدت و ضعف پیدا مى ‌‌‌‌‌کند. گناه از امورى است که باعث ضعیف شدن قواى عقلى و فکرى انسان مى ‌‌‌‌‌شود. چرا که عقلانیت انسان از جنس نور است و گناه تولید کننده ظلمت و این دو با هم جمع نمى ‌‌‌‌‌شوند. از پیامبر خدا نقل شده که به ابن مسعود سفارش مى کند:

از مستى گناه بپرهیز چرا که براى گناه هم جنونى مانند جنون شراب وجود دارد، بلکه جنونش شدیدتر است.[[۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn1)

انسانى که قواى عقلى او رو به ضعف بگذارد، هر خیرى از او دور مى ‌‌‌‌‌شود و آمادگى هر اشتباه و خطایى را پیدا مى ‌‌‌‌‌کند. چرا که فرمودند:

فقط با عقل است که هر خیرى به دست مى ‌‌‌‌‌آید.[[۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn2)

**۲- از بین رفتن محفوظات ‌‌‌‌‌**

همه دیده ‌‌‌‌‌ایم که انسان ‌‌‌‌‌ها از نظر قوه حافظه برابر نیستند، بلکه با هم اختلاف دارند. امورى هم در زیاد و کم شدن حافظه تأثیر دارند که از آن جمله معصیت الهى است. بنابر روایات اهل بیت (علیهم السلام) معصیت باعث از بین رفتن محفوظات از ذهن انسان مى ‌‌‌‌‌شود.

ابن مسعود از پیامبر «صلوات الله علیه و آله» نقل مى ‌‌‌‌‌کند: از گناهان بپرهیز چرا که گناهان از بین برنده خیرات هستند. وقتى بنده گناه مى ‌‌‌‌‌کند، به واسطه انجام آن، علمى را که یاد گرفته بود فراموش مى ‌‌‌‌‌کند.[[۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn3)

اگر بنا باشد انسان زحمت تحصیل علم را بکشد اما معلوماتش باقى نماند، پس زحمت او بى ‌‌‌‌‌نتیجه است و همیشه در جهالت باقى خواهد ماند.

**۳- قساوت قلب ‌‌‌‌‌**

یکى از امورى که در سعادت انسان ‌‌‌‌‌ها نقش کلیدى دارد، داشتن قلبى تأثیرپذیر و رقیق است. اگر قلب انسان را قساوت بگیرد، دیگر نسبت به امور لطیف و ظریف و نورانى تأثیرپذیر نخواهد بود. در نتیجه بسیارى از امور که باعث تنبه و رشد دیگران است در رشد و ترقى او تأثیر نخواهد داشت. البته آدمى با دلى نرم و رقیق به دنیا مى ‌‌‌‌‌آید و خود اوست که باعث قساوت قلب خود مى ‌‌‌‌‌شود. از جمله اینکه مرتکب گناه مى ‌‌‌‌‌شود و گناه باعث قساوت قلب آدمى مى ‌‌‌‌‌شود.

چنان که در سوره مطففین مى ‌‌‌‌‌خوانیم: «کَلَّا بَلْ رانَ عَلى قُلُوبِهِمْ ما کانُوا یَکْسِبُونَ»[[۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn4)

چنین نیست که آنان مى ‌‌‌‌‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگارى بر دل ‌‌‌‌‌هایشان نشسته است!

و در روایات آمده است: هرگاه بنده گناهى انجام دهد نقطه سیاهى در دل او پیدا مى ‌‌‌‌‌شود. اگر توبه کرد پاک مى ‌‌‌‌‌شود و اگر به گناه خود ادامه داد، آن نقطه سیاه زیادتر مى ‌‌‌‌‌شود تا اینکه همه قلب را مى ‌‌‌‌‌گیرد و در این موقع است که دیگر او رستگار نمى ‌‌‌‌‌گردد.[[۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn5)

انسانى که دچار قساوت قلب گردد نه تنها با خالق خود مشکل پیدا مى ‌‌‌‌‌کند، بلکه در ارتباطات خانوادگى و اجتماعى خود نیز دچار مشکل مى ‌‌‌‌‌شود. انسانى که دل او سخت شده، نمى ‌‌‌‌‌تواند از احساسات لطیف و پاک برخوردار باشد و در نتیجه زندگى سرد و خشنى خواهد داشت.

در این باره در تفسیر نمونه مى ‌‌‌‌‌خوانیم: نه تنها در آیات این سوره از تأثیر گناه، در تاریک ‌‌‌‌‌ساختن دل سخن گفته شده، که در بسیارى دیگر از آیات قرآن مجید نیز این معنى به طور مکرر، و با صراحت مورد توجه قرار گرفته است.

در یک جا مى ‌‌‌‌‌فرماید: «کَذلِکَ یَطْبَعُ الله عَلى کُلِّ قَلْبِ مُتَکَبِّرٍ جَبَّارٍ»

(این گونه خداوند بر قلب هر متکبر طغیانگرى مهر مى ‌‌‌‌‌نهد.) (سوره غافر آیه ۵۳)

و در جاى دیگر درباره گروهى از گنهکاران لجوج و عنود مى ‌‌‌‌‌فرماید:

«خَتَمَ ‌‌‌‌‌اللهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ عَلى سَمْعِهِمْ وَ عَلى أَبْصارِهِمْ غِشاوَهٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ» (خداوند بر دل ‌‌‌‌‌هاى آنان مهر نهاده، و همچنین بر گوش ‌‌‌‌‌هاى آنان، و بر چشم ‌‌‌‌‌هایشان پرده ‌‌‌‌‌اى فرو افتاده، و براى آنان عذاب بزرگى است.) (سوره بقره آیه ۷)

و در آیه ۴۶ سوره حج مى ‌‌‌‌‌خوانیم:

«فَإنَّها لا تَعْمَى الْأَبْصارُ وَ لکِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ» (چشم ‌‌‌‌‌هاى ظاهر نابینا نمى ‌‌‌‌‌شود، بلکه دلهایى که در سینه ‌‌‌‌‌ها جاى دارد نابینا مى ‌‌‌‌‌گردد.)

آرى بدترین اثر گناه و ادامه آن، تاریک ساختن قلب، و از میان بردن نور علم و حس تشخیص است. گناهان از اعضاء و جوارح، سرازیر قلب مى ‌‌‌‌‌شوند، و قلب را به یک باتلاق متعفن و گندیده مبدل مى ‌‌‌‌‌سازند. اینجاست که انسان راه و چاه را تشخیص نمى ‌‌‌‌‌دهد، و مرتکب اشتباهات عجیبى مى ‌‌‌‌‌شود که همه را حیران مى ‌‌‌‌‌کند و با دست خود تیشه به ریشه سعادت خویش مى ‌‌‌‌‌زند و سرمایه خوشبختى خویش را به باد فنا مى ‌‌‌‌‌دهد.

در حدیثى از پیغمبر اکرم (صلى ‌‌‌‌‌الله علیه و آله) مى ‌‌‌‌‌خوانیم: کثره الذنوب مفسده للقلب.

(گناهان زیاد قلب انسان را فاسد مى ‌‌‌‌‌کند.)

و در حدیث دیگرى از همان حضرت مى ‌‌‌‌‌خوانیم.

ان العبد اذا اذنب ذنبا نکتت فى قلبه نکته سوداء، فان تاب و نزع و استغفر صقل قلبه، و ان عاد زادت حتى تعلو قلبه، فذلک الرین الذى ذکر الله فى القرآن ‌‌‌‌‌

: «کَلَّا بَلْ رانَ عَلى قُلُوبِهِمْ ما کانُوا یَکْسِبُونَ.»

(هنگامى که بنده گناه کند نقطه سیاهى در قلب او پیدا مى ‌‌‌‌‌شود، اگر توبه کند و از گناه دست بردارد و استغفار نماید، قلب او صیقل مى ‌‌‌‌‌یابد و اگر باز هم به گناه برگردد سیاهى افزون مى ‌‌‌‌‌شود، تا تمام قلبش را فرا گیرد، این همان زنگارى است که در آیه ‌‌‌‌‌

(کَلَّا بَلْ رانَ عَلى قُلُوبِهِمْ ما کانُوا یَکْسِبُونَ) به آن اشاره شده.)

همین معنى از امام باقر (علیه ‌‌‌‌‌السلام) در اصول کافى با مختصر تفاوتى نقل شده است.

و نیز در همان کتاب از رسول خدا (صلى الله ‌‌‌‌‌علیه وآله) چنین نقل شده که فرمود: «تذاکروا و تلاقوا و تحدثوا فان الحدیث جلاء للقلوب ان القلوب لترین کما یرین السیف، و جلاؤه الحدیث.»

(مذاکره کنید و یکدیگر را ملاقات نمایید و احادیث (پیشوایان دین) را نقل کنید که حدیث، مایه جلاى دل ‌‌‌‌‌ها است، دل ‌‌‌‌‌ها زنگار مى ‌‌‌‌‌گیرد، همان ‌‌‌‌‌گونه که شمشیر، زنگار مى ‌‌‌‌‌گیرد، و صیقل آن حدیث است.)

از نظر اصول روانشناسى نیز این معنى ثابت شده که اعمال آدمى همواره بازتابى در روح او دارد، و تدریجاً روح را به شکل خود در مى ‌‌‌‌‌آورد، حتى در تفکر و اندیشه و قضاوت او مؤثر است.

این نکته نیز قابل توجه است که انسان با ادامه گناه، لحظه به لحظه، در تاریکى روحى بیشترى فرو مى ‌‌‌‌‌رود، و به جایى مى ‌‌‌‌‌رسد که گناهانش در نظرش حسنات جلوه مى ‌‌‌‌‌کند، و گاه به گناهش افتخار مى ‌‌‌‌‌کند! در این مرحله راه ‌‌‌‌‌هاى بازگشت به روى او بسته مى ‌‌‌‌‌شود، و تمام پل ‌‌‌‌‌ها پشت سرش ویران مى ‌‌‌‌‌گردد و این خطرناک ‌‌‌‌‌ترین حالتى است که ممکن است براى یک انسان پیش آید.[[۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn6)

**۴- زوال نعمت ‌‌‌‌‌ها**

یکى از آثار مهمى که گناهان در زندگى هر فرد یا اجتماعى مى ‌‌‌‌‌گذارد از بین رفتن نعمت ‌‌‌‌‌هایى است که خداوند به آنان عطا فرموده است. آرى پایدارى بسیارى از نعمت ‌‌‌‌‌هاى الهى مشروط به انجام ندادن گناه و اطاعت او است.

چنان که در قرآن کریم مى ‌‌‌‌‌خوانیم:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ ‌‌‌‌‌ [[۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn7)

(و اگر اهل آبادى ‌‌‌‌‌ها ایمان مى ‌‌‌‌‌آوردند و پارسایى مى ‌‌‌‌‌کردند، حتماً برکاتى از آسمان و زمین بر آنان مى ‌‌‌‌‌گشودیم، اما (آنان حق را) تکذیب کردند، پس به سبب آنچه همواره کسب مى ‌‌‌‌‌کردند، گرفتارشان کردیم.)

امیر مؤمنان على (علیه السلام) مى ‌‌‌‌‌فرماید: وایم الله! ما کان قوم قط فى غض نعمه من عیش فزال عنهم الا بذنوب اجترحوها، لان الله لیس بظلام للعبید

(به خدا سوگند هیچ ملتى از آغوش ناز و نعمت زندگى گرفته نشد، مگر به واسطه گناهانى که مرتکب شدند، زیرا خداوند هرگز به بندگانش ستم روا نمى ‌‌‌‌‌دارد.) سپس افزود:

ولو ان الناس حین تنزل بهم النقم، و تزول عنهم النعم، فزعوا الى ربهم بصدق من نیاتهم، و وله من قلوبهم، لرد علیهم کل شارد و اصلح لهم کل فاسد

(هر گاه مردم موقعى که بلاها نازل مى ‌‌‌‌‌شود، و نعمت ‌‌‌‌‌هاى الهى از آنان سلب مى ‌‌‌‌‌گردد، با صدق نیت رو به درگاه خدا آورند، و با قلب ‌‌‌‌‌هایى آکنده از عشق و محبت به خدا از او درخواست حل مشکل کنند، خداوند آنچه را از دستشان رفته به آنان باز مى ‌‌‌‌‌گرداند، و هر گونه فسادى را براى آنان اصلاح مى ‌‌‌‌‌کند.) و از این بیان رابطه گناهان با سلب نعمت ‌‌‌‌‌ها به خوبى آشکار مى ‌‌‌‌‌شود.[[۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn8)

**۵- نزول بلاها**

بدون شک هر امرى که در عالم اتفاق مى افتد بدون علت نیست. از آن جمله بلاها و مشکلاتى است که بر

سر راه افراد یا جوامع نهاده مى ‌‌‌‌‌شود و بدان ‌‌‌‌‌ها گرفتار مى ‌‌‌‌‌شوند. اگر انسان ‌‌‌‌‌ها در مدار بندگى خداوند قدم بر مى ‌‌‌‌‌داشتند از بسیارى از بلاها و مشکلات در امان بودند و همواره در حفظ و حراست خداوند به سر مى ‌‌‌‌‌بردند. اما بر اثر انجام گناه و معصیت الهى مستحق نزول بلا مى ‌‌‌‌‌شوند.

در سوره شورى مى خوانیم: وَ ما أَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَهٍ فَبِما کَسَبَتْ أَیْدیکُمْ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثیرٍ (سوره شورى آیه ۳۰)

(و هر مصیبتى به شما رسد پس به سبب دستاورد شماست! و بسیارى (از خطاهاى شما) را مى ‌‌‌‌‌بخشد.)

در ذیل همین آیه در تفسیر المیزان مى ‌‌‌‌‌خوانیم: مصائب و ناملایماتى که متوجه جامعه شما مى ‌‌‌‌‌شود، همه به سبب گناهانى است که مرتکب مى ‌‌‌‌‌شوید، و خدا از بسیارى از آن گناهان درمى ‌‌‌‌‌گذرد و شما را به جرم آن نمى ‌‌‌‌‌گیرد. پس آیه شریفه در معناى این آیات است:

«ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُمْ بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»[[۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn9) (سوره روم آیه ۴۱) «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا.»[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn10) (سوره اعراف آیه ۹۶) «إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ»[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn11) (سوره رعد آیه ۱۱) و آیات دیگرى که همه دلالت دارد بر اینکه بین اعمال آدمى و نظام عالم ارتباطى خاص برقرار است. به طورى که اگر جوامع بشرى عقاید و اعمال خود را بر طبق آنچه فطرت اقتضا دارد وفق دهند، خیرات به سویشان سرازیر و درهاى برکات به رویشان باز مى ‌‌‌‌‌شود، و اگر در این دو مرحله به فساد بگرایند، زمین و آسمان هم تباه مى ‌‌‌‌‌شود، و زندگیشان را تباه مى ‌‌‌‌‌کند. این، آن حقیقتى است که سنت الهى اقتضاى آن را دارد، مگر آنکه باز هم پاى سنت دیگرى به میان آید، همان سنت که گفتیم حاکم بر سنت رزق است، یعنى سنت امتحان و استدراج و املاء که در این صورت وضع، صورتى دیگر به خود مى ‌‌‌‌‌گیرد، (و به جاى چشاندن نمونه ‌‌‌‌‌اى از آثار سوء اعمالشان، نعمت را به سویشان سرازیر مى ‌‌‌‌‌کند، تا به طور کلى با فساد خو بگیرند، و سراسر جهان براى نابودیشان یک جهت شده، عوامل و اسبابش براى منقرض ساختن آنان بسیج شوند)، هم چنان که فرموده:

«ثُمَّ بَدَّلْنا مَکانَ السَّیِّئَهِ الْحَسَنَهَ حَتَّى عَفَوْا وَ قالُوا قَدْ مَسَّ آباءَنَا الضَّرَّاءُ وَ السَّرَّاءُ فَأَخَذْناهُمْ بَغْتَهً وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ».[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn12)

از امیر المومنین (علیه السلام) نقل شده که فرمودند:

مؤمن در جسم یا مال یا فرزندان یا مرتبطین خود دچار بلا و گرفتارى مى ‌‌‌‌‌شود چرا که خداوند فرمود: و هر مصیبتى به شما رسد پس به سبب دستاورد شماست و بسیارى (از خطاهاى شما) را مى ‌‌‌‌‌بخشد.[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn13)

**نکته**:

۱- در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بیان شده که هر گناه بلاى خاصى را در پى خواهد داشت و اثر هر گناه را بیان کرده ‌‌‌‌‌اند. به عنوان مثال در مورد زنا فرموده ‌‌‌‌‌اند که هرگاه زنا در جامعه زیاد و علنى شود موجب زیاد شدن زلزله مى ‌‌‌‌‌شود.[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn14)

۲- در روایات آمده که هرچه انسان ‌‌‌‌‌ها گناهان جدیدترى را انجام دهند باعث مى ‌‌‌‌‌شود بلاهاى جدیدترى بر سر آنان ببارد.[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_edn15)

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref1) . بحار، ج ۷۴، ص ۵۰۱.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref2) . مستدرک وسایل، ج ۱۱، ص ۲۰۹.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref3) .بحار، ج ۷۰، ص ۷۷۳.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref4) . سوره مطففین، آیه ۱۴.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref5) . الکافى، ج ۲، ص ۲۷۱؛ وسائل ‌‌‌‌‌الشیعه، ج ۰۲، ص ۷۹۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۶۶۲.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref6) . تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۶۶.

[[۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref7) . سوره اعراف آیه ۹۶

[[۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref8) . تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ همچنین رجوع کنید: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۴۷.

[[۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref9) . اگر فساد در خشکى و دریا پیدا شود، به سبب گناهانى است که مردم مى ‌‌‌‌‌کنند، و پیدا شدن آن براى این است که خداوند نمونه ‌‌‌‌‌اى از آثار شوم اعمالشان را به ایشان بچشاند، شاید برگردند.

[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref10) . و اگر مردم شهرها ایمان مى ‌‌‌‌‌آوردند و تقوى پیشه مى ‌‌‌‌‌کردند، ما برکت ‌‌‌‌‌هایى از آسمان و زمین به رویشان مى ‌‌‌‌‌گشودیم، اما به جاى ایمان و تقوى تکذیب کردند.

[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref11) . خدا نعمت ‌‌‌‌‌هاى هیچ قومى را دگرگون نمى ‌‌‌‌‌سازد، تا آنکه خودشان وضع خود را دگرگون کنند و رفتار خود را تغییر دهند.

[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref12) . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۸۶.

[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref13) . بحار، ج ۷۵، ص ۵۲.

[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref14) . تهذیب ‌‌‌‌‌الأحکام، ج ۳، ص ۷۴۱.

[[۱۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2950&action=edit" \l "_ednref15) . الکافى، ج ۲، ص ۵۷۲.